

بیمنا

شماره مسلسل ۲۰۱

سال هجدهم

فروردین ماه ۱۳۴۴

شماره اول

دکتر غلامحسین یوسفی

صرفه جوئی

گویا گاهی نداشتن عقل معاش هم از لوازم فقر و بی چیزی است و یا لااقل در کشور ما بدین صورت جلوه کرده است که ما هم به درویشی و نیازمندی گرفتاریم و هم از شیوه درست معیشت غافل و بی بهره ایم. نظری باوضاع زندگانی فردی و اجتماعی ما، بخصوص مقایسه آن با احوال مردم عاقل و پیشرفته دنیا، موارد ضعف و نقص جامعه ما را ازین لحاظ بروشنی آشکار میکند.

در زندگانی شخصی مرض تجمل پرستی در بسیاری از خانواده ها راه یافته است و افسوس که بیش از عامه مردم، درس خواندگان ما بدان گرفتارند. بسیاری از نیازمندیهای اصلی حیات از نظر ما فراموش شده است اما از صرف همه نیروی مالی خود برای تهیه تجملات بیهوده و زائد که غالباً نمودار بی خردی خریدارست مضایقه نداریم. عجب آنکه این شیوه زندگانی را تقلید از تمدن مغرب زمین پنداشته ایم. وقتی در امریکا از طبیعی ایرانی نکته ای شنیدم که گفتنی است: وی میگفت که درین کشور مسائل بهداشتی را از لحاظ اقتصادی نیز بررسی می کنند، و برای

روشن شدن مقصود نقل میکرد که روزی برای تمیز کردن دندانهای خود بنزد دندان-پزشکی رفتم. وی از من پرسید: در سال چند بار به آرایشگاه می روی؟ گفتم: لااقل ماهی دو بار. گفت: هر بار چقدر پول میدهی؟ گفتم: یک ونیم دلار. گفت: برای تمیز کردن دندانهای خود بموقع به دندان پزشك رجوع میکنی؟ گفتم: گاهی که بیام می آید آری ولی غالب مردم ما ممکنست چند سال یکبار هم برای این کار بنزد طبیب نروند. پزشك گفت: تعجب آنکه برای موهای زائد خود که میخواهید آنها را دور بریزید لااقل سالی بیست و چهار بار به آرایشگاه می روید و سی و شش دلار می پردازید ولی برای سلامت دندانهای خود که در تمام عمر به آنها نیاز مندید حاضر نیستید سالی دو بار پیش پزشك بروید و فقط ده دلار پردازید! اما دندانهایتان که خراب شد آنگاه مجبور خواهید شد چند برابر این مبلغ صرف آن کنید و باز هم دندان سالم و بی-نقص نخواهید داشت.

این مثال، شاهد زنده ای است از طرز تفکر و حسابگری بمورد مردم مغرب-زمین، و بی توجهی و غفلت ما در مسائلی ازین قبیل. سال گذشته که در پاریس اقامت داشتم خانمی از هموطنان ما برای معالجه بکشور فرانسه آمده بود و به عملی جراحی احتیاج داشت که انجام شد. پس از آن طبیب ضرورت عمل ساده دیگری را تجویز میکرد که بانوی مزبور ازین کار، بدلیل کم پولی، امتناع داشت. سرانجام معلوم شد سببش اینست که پول کافی و فراوان در اختیار دارد ولی آن را برای خرید کنار گذاشته است و اگر قرار شود مخارج عمل دوم را هم بدهد اندکی از قوه خرید او کاسته خواهد شد! اما خریدهای آن خانم هم که اصرار داشت در دوره نقاهت خود را به بازار برساند تماشایی و نموداری از «لوکس» پرستیهای زیان آور بود.

مردم انگلستان که تجربه و تدبیرشان در امور اقتصادی معروف است درزندگانی خانوادگی طرز معیشتشان درخور ملاحظه است. بنده در شهر لندن، در خانه ای با خانواده ای انگلیسی بسر می برم. زن و شوهر هر دو کار میکنند، کارکردنی بمعنی دقیق کلمه که مستلزم هشت ساعت کوشش و تقلائی روزانه است. زن نه تنها امور خانواده خود را میگرداند بلکه زندگانی بنده و مردی دیگر را نیز اداره میکند. مرد نیز

علاوه بر شغل خود، مانند بسیاری از شوهران در دیگر خانواده‌ها، کارهای خانه‌را از قبیل تعمیر در و پنجره و لوازم خانه ورنک آمیزی و نصب شیشه‌ها و غیره همه‌را خود انجام میدهد. درزندگانی ایشان هرشاهی حسابی درست دارد و بنظر ما شرفیان شاید مردمی حسابگر و مادی می‌نمایند اما این نکته محتاج تأمل است. روزهای اولی که درین خانه سکونت کردم دختر یازده ساله ایشان به اطاق من آمد و از کشورم پرسید. شب بعد دیدم با یک جلد از دوره دائرةالمعارف خود بنزد من آمد. رفته بود و مطالب ذیل Persia را در دائرةالمعارف خوانده و اطلاعاتی مفید راجع به ایران آموخته بود و با من سخن میگفت. همان پدر و مادری که هر شاهیشان حساب دارد با کمال گشاده دستی یک دوره دائرةالمعارف خریده و در اطاق او گذاشته بودند که هر چه بخواهد در آن بجوید و بیابد، و از شما پنهان نباشد که بنده هم در بیست غالباً از آن کتابها استفاده میکنم. حالا چند نفر از ما حاضریم که از این گونه خرجها بکنیم داویش با خوانندگان است. ما نیز در مقابل کاری دیگر میکنیم و آن اینکه کودکان خردسال خود را به اروپا و امریکا میفرستیم تا نه بدرد زندگانی در ایران بخورند و نه بدرد فرنگستان و نه فقط ثروت بسیاری را درین راه بیهوده تلف میکنیم بلکه نسبت به فرزندان خویش نیز جنایتی عظیم مرتکب می‌شویم.

در نتیجه این گونه بی‌خریدها و تقلیدهای نابجا و کوشش در فراهم آوردن آنچه بتوان بدیگران نمایش داد زندگانی خانوادگی ما بصورت بنایی توخالی درآمده است که می‌پنداریم خوش ظاهر است و حال آنکه ظاهر آن نیز بی‌تناسب و ناموزون می‌نماید. اما اینکه در نتیجه این روش چه مشکلات و نابسامانیها و پیریشانیهای در خانواده‌ها بروز کرده است خود حدیثی دیگرست. باینهمه شاید بتوان عذری نادرست و غیر منطقی جست و گفت این گونه کج رویها بیشتر ضررش فردی است ولی افسوس که این مرض و لخرچی و تجمل پرستی را در تشکیلات اجتماعی خود نیز می‌بینیم.

در کتابخانه موزه بریتانیا در لندن که بالغ برشش میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از یک ربع میلیون آثار خطی است اگر کسی تقاضای تهیه میکروفیلم و یا عکس برداری از کتابی کند غالباً سه ماه طول میکشد تا سفارش او بنوبت خود انجام

پذیرد زیرا عده کارمندان معدود و تقاضاها بنسبت وسعت کتابخانه بسیارست و تا احتیاج حتمی اقتضا نکند لزومی نمی بینند که يك تن بر کارمندان خود اضافه کنند. در پاریس بانویی فرانسوی به یکی از دوستان ایرانی خود که میخواست روزی ساعت دو بعد از ظهر باو تلفن کند می گفت که ازین کار معذورست زیرا در سر کار خود چندان گرفتارست که مجال ندارد. اینست شمه ای از طرز کار کسانی که میخواستیم براه آنان برویم ولی شیوه کارشان را درست نمی شناسیم .

اما مرض لو کس پرستی در سازمانهای ما مظاهری شکفت انگیز از خود بجای نهاده است . بسیاری از کسانی که کاری را عهده دار می شوند اول ب فکر اثاثه متجمل اطاق کار خود از قبیل میز بزرگ گران بها و قالی و پرده و مبل و چیزهای دیگر هستند . به کمتر اطاقی در ادارات ایران ، بخصوص اطاق رؤسا، وارد میشوید که بسیاری ازین اثاثه زائد بنظر تان نرسد . کاش با اینهمه زیانها کسه میز نیم کاری هم انجام بدهیم ولی چه بسا که از کار سودمند هم خبری نیست . در امریکا و اروپا هر وقت اثاثه ساده اطاقهای ادارات را دیده ام برونخر جیبهای خودمان افسوس خورده ام . زمستان گذشته در کتابخانه ملی پاریس هر وقت می دیدم که با وجود هوای گرفته و ابر آلود تا ممکن بود کسی از روشنایی روز استفاده کند چراغهای رومیزی را روشن نمی کردند و روشن کردن چند صد چراغ را در صورت عدم ضرورت اسراف بی مورد می دانستند ، بی اختیار بیاد این موضوع می افتادم که چگونه در کشور آفتابی و روشن ما در بسیاری از ادارات بی هیچ ضرورتی چراغ رومیزی گذاشته ایم نوع چراغ و قیمت آن نیز با حشمت پشت میز نشین بستگی دارد !

کارلو کس پرستی و ولخر جی ما فقط در مورد چیزهای کوچک نیست حتی بارات بزرگی را نیز مانند پیراهن و لباس خودمان هر روز خراب و عوض می کنیم جای آن بنایی گران قیمت میسازیم که چندی بعد باز دستخوش تبدیل خواهد شد . ن دیده میگذردیم و میدیدیم زیبایی و عظمت پارلمان انگلستان بواسطه قدمت آن بدان بزرگی است که پرورده و خود بصورت تاریخی مجسمه در آمده است . بی گمان وقتی این عمارت بتواند بر پا بایستد هرگز کسی هوس تجدید بنای آنرا

نخواهد کرد. درین عمارت بسیار کهن بود که هم امروز (۲۸ ژوئیه ۱۹۶۴) مجلس عامه انگلستان خدمات و بنسئون چرچیل را به ملت و مملکت تجلیل کرد و تادیروز این مرد معروف درین مجلس برصندلی خاص خود جلوس میکرد و افتخارش آن بود که خویشتن را بچه پارلمان و خدمتگزار آن بنامد.

وقتی اطاقهای درس دانشگاه پاریس را در آن بناهای باشکوه و سالخورده میدیدم، یا در ساختمانهای بسیار قدیمی و دیدنی کتابخانه کهنه بودلین او کسفورد مطالعه میکردم، یا موقعیکه قلم و دوات روی میزهای کتابخانه موزه بریتانیا را چندان قدیمی و ارزان قیمت می یافتم که شاگردان مدارس ابتدائی ماهم خرید آنها را دون شأن خود میداند، نیز هنگامیکه در کالجهای متعدد کمبریج و او کسفورد که شبیه مدارس قدیمه اسلامی است تأمل میکردم، غالباً بیاد و لخرجیهای خودمان می افتادم و بسیار رنج میبردیم. اما همان کسانی که در این موارد چنین حسابگرو دقیقند با سخاوت تمام باغهای بسیار بزرگی چون لوگزامبورک و هاید پارک و کتابخانههایی مانند کتابخانههای محلات لندن را برایگان در اختیار مردم میگذارند و در همان کتابخانههای قدیمی غالباً میتوان هر کتاب و مجله و اثری را در هر جای دنیا چاپ شده باشد یافت و یا در همان دانشگاههای بظاهر دود زده و کهن استادان بزرگ و عالم بهترین متخصصان را می پرورند.

هر وقت در کتابخانههای اروپا تقاضانامه ای را برای گرفتن کتابی مینویسم و متوجه میشوم که ورقه منظور درست بهمان اندازه ای است که مطالب لازم را باید بر آن نوشت و یک ذره کاغذ زیادی بکار نرفته و هر چه در آن نوشته شده لازم و ضروری است و از آن نمیتوان گذشت، کاغذهای چاپی زائد و اوراق پروندههای حجیم و بایگانیهای بی مصرف خودمان بخاطر م میرسد که چگونه پول ملت را دور میریزیم و سالها وقت و نیروی مردم را بهدر میدهیم و در هر قدم مشکلی بر مشکلات میافزاییم. اگر کسی در لندن در کار توان فرسای بلیط فروشان اتوبوس که بسیاری از آنان زن هستند تأمل کند و ببیند که در این شهر ده میلیونی با چه خوشرویی کار دشوار خود را در اتوبوسهای دو طبقه انجام میدهند آنگاه متوجه خواهد شد که ما

اگر چه اتوبوس دوطبقه از انگلستان وارد کرده ایم ولی تاچه حد وضع اتوبوسرانی پایتختمان با اینجا تفاوت دارد. احتمال قوی میرود که کارمندان دستگاه اتوبوسرانی لندن نسبت از طهران کمتر باشد ولی اینکه در کدام يك نظم و آسایش بیشترست محتاج بگفتن نیست.

بگذارید برای دلخوشی خودمان عرض کنم که کشورهایی نظیر ما نیز ازین مشکلات دارند و به ضعف عقل معاش گرفتارند. از یکی از دوستان ترك خود که استاد دانشگاه استانبول است روزی بمناسبت شنیدم که در دانشگاه استانبول دانشکده ای بی آنکه احتیاجی وافر داشته باشد يك دستگاه میکروسکپ الکترونیك بقیمتی گزاف خرید؛ چندی بعد دانشکده ای دیگر که بنایش بامحل نصب دستگاه مزبور چند قدم بیشتر فاصله نداشت و شاید بندرت ممکن بود به میکروسکپ فوق نیازی پیدا کند قسمت عمده ای از بودجه خود را صرف خرید دستگاهی دیگر کرد و عجب آنکه در هر دو دانشکده کسی از طرز کار دستگاه با خبر نبود.

بر شمردن همه مواردی که ما وقت و ثروت کشور را بر اثر نداشتن عقل معاش هدر میکنیم درین مختصر نمیگنجد. وقتی خوب تأمل کنیم می بینیم ما آنقدرها هم فقیر نیستیم و اگر آنچه داریم درست بمصرف برسانیم شاید به کسی نیازی نداشته باشیم و یا لااقل از میزان احتیاجمان کاسته شود و باین حد فقیر نماییم. دریغ آنکه بعضی از مردم درس خوانده نیز گویبی با خزانه ملت دشمنی دیرینه دارند. سوءاستفاده از بیت المال مردم فقط کسب منفعت شخصی نیست بلکه صرف ثروت جامعه در راه نادرست نیز نوعی زیانکاری است و دلائلی ازین قبیل که گاه می شنویم که برای کارهای بزرگ صرف مبالغ هنگفت لازم است بهیچوجه ما را مجاز نمیدارد که حتی در بمصرف رساندن يك شاهی از ثروت مملکت سهل انگاری کنیم. امید آنکه خداوند بزرگ چشم بصیرت ما را روشن گرداند و همچنانکه به هر کس خرد بخشیده همه چیز عطا کرده است ما را نیز بهدایت عقل و تدبیر از بلای تجمل پرستی و ولخرجی خاصه در امور مملکتی که بهر پیشیزی از ثروت خود سخت نیازمندست، برهاند.